



RahaiZan.Org

سازمان رهایی زن

The Organization for Emancipation of Women



Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com

مدیرمسئول: شراره رضائی

Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@googlemail.com

سر دبیر: مینو همتی

نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 35

سری سوم، شماره 35

1394 خرداد، May 2015

دیروز فرخنده، امروز فریناز، فردا نوبت کیست؟

مطالب

بیانیه و گزارش از برگزاری اکسیون در حمایت از اعتراضات مردم مهاباد در مرگ فریناز خسروانی (آلمان-شتوتگارت) از: شراره رضائی



بررسی وضعیت خانواده کارگری در سالی که گذشت
گفتگوی مینو همتی با فرخنده آشنا فعال سیاسی و کارگری

معرفی کتاب: جنسیت "X" شادی امین

کشته شدن فریناز خسروانی و اعتراضات مردم مهاباد
روپاک مطیعی

صیغه ضدارزشی که اسلام به آن مشروعیت می بخشد (قسمت دوم)
مژگان حاصلی

به مناسبت روز جهانی کارگر
میثم باریک رو

داستان زنی که قربانی سنت و عقب ماندگی عقاید کهن پرستی شده
فربیا رشیدی

اطلاعیه ندای زنان به مناسبت روز جهانی کارگر
ندای زنان ایران

مهاجرت
بهاره شرفی

ننگ با رنگ پاک نمی شود. زندان اوین در تاریخ مبارزات مردم ایران ثبت شده است
بهروز سورن

فعالان مدنی صحنه قتل فرخنده را در کابل بازسازی کردند

صفحه اجتماعی: کودکانی که فروخته می شوند از 400 هزار تا هشت میلیون

صفحه خبری

تماس با رهایی زن و اطلاعات مربوط به روز، ساعت و فرکانس پخش برنامه ماهواره ای در ایران



با نشریه رهایی زن همکاری کنید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را به آدرس ایمیل زیرارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org

باتوجه به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگویی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضا این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم تا در پاسخگویی به این نظرات کوشا باشند.
مینو همتی

گزارشی از برگزاری آکسیون در حمایت از اعتراضات مردم مهاباد در مرگ فریناز خسروانی

"آلمان—شتوتگارت" گزارش از: شراره رضانی

شنبه 16 می 2015 (26 اردیبهشت 94) طبق اطلاعیه ی قبلی آکسیونی در حمایت از اعتراضات به حق مردم مهاباد و کردستان به مرگ دلخراش فریناز خسروانی در شهر شتوتگارت- آلمان از ساعت 16 تا 18 برگزار شد. اطلاعیه حمایتی از اعتراضات به حق مردم به سه زبان فارسی - آلمانی و کردی قرائت شد. متن اطلاعیه همراه با عکس ها در زیر آمده است. فیلم ها و عکس های بیشتر از تلویزیون رهایی زن پخش خواهد شد.

بیانیه :

دیروز فرخنده، امروز فریناز، فردا نوبت کیست؟

فریناز خسروانی دختر 26 ساله، از خانواده ی کارگری که در هتل "تارا"ی مهاباد، مهماندار بود. فریناز از ترس تجاوز یکی از مهمانان هتل، که یک مامور دولتی ست، وقتی با درب های قفل شده روبرو می شود. برای نجاتش، خودش را از طبقه ی چهارم هتل به پایین پرت می کند و جان می بازد.

دنیایی زن ستیزی که زن جزئی از املاک مرد و وسیله ی لذت جویی ست و با حمایت و تقویت نظام سرمایه داری از مذهب و مردسالاری، هر روز زنان مورد خشونت و استثمار قرار می گیرند و در کشورهای مختلف قربانی می گیرد. فرخنده را در مقابل جثمان ده ها نفر آتش می زنند، بر روی صورت دختران اسید می پاشند و امروز فریناز از ترس تجاوز دست به خودکشی می زند. این بازتولید خشونت، هر روز زندگی هزاران زن را تهدید می کند.

در پاسخ به این فاجعه ی تلخ، صدها نفر پیر و جوان مهابادی جان به لب رسیده از حکومت سرکوبگر و جنایتکار رژیم اسلامی، در یک عکس العمل سریع، به هتل حمله برده و آنجا را به آتش می کشند و سپس به وزارت اطلاعات که لانه ی فساد و سرکوب است حمله برده و قصد تصرف آنجا را داشتند. شکی نیست که مردم با دستان خالی در برابر رژیمی قد علم کردند که با تمام قدرت و توان جنایتکار و وحشی ست و از هر جنایتی، تجاوز، شکنجه، اعدام و اسلحه کشیدن بروی مردم معترض هیچ کوتاهی نمی کند. که اگر چنین نبود جوانان مبارز کردستان در همان روز، کردستان را قبرستان رژیم می کردند تا دیگر شاهد چنین فجایع دردناکی نباشیم.

در پی این حادثه ی دلخراش، دیگر شهرهای کردستان در حمایت از مردم مهاباد، با وجود برقراری حکومت نظامی در شهر، مردم سردشت و سنندج و مریوان دست به اعتصاب و بستن مغازه های شهر زدند و این اعتصاب همچنان ادامه دارد. تنها عزم و اراده راسخ مردم مبارز و آزادی خواه است که می تواند به هرگونه توحش و قوانین ضد انسانی به تبعیض جنسیتی، نابرابری ها، اعدام ها، زندان و شلاق پایان دهند.

اگر در اصفهان چهره ی دختران را برای ایجاد وحشت با اسید سوزاندند، فریناز با مرگش آتشی بپا کرد که انزجار و خشم فروخورده ی مردم از رژیم سرباز کرد و رژیم را به تلاطم و وحشت از گسترش اعتراضات حق طلبانه به دیگر شهرها انداخته است.

مردم تنها زمانی به آسایش و آرامش و زندگی بهتر دست خواهند یافت که این رژیم توحش و بربریت را با اعتراضات سراسری و اتحاد همه ی اقشار جامعه و خصوصاً طبقه ی کارگر و محروم جامعه که اولین قربانیان وضعیت موجود هستند، به زیر بکشند.

ما امروز اینجا جمع شده ایم تا حمایت خود را از مبارزات شجاعانه ی جوانان آزادی خواه مهاباد اعلام کنیم و آنها را تنها نگذاریم. باید این اعتصابات را تا محاکمه ی سران رژیم که چنین سیه روزی را برای مردم می سازند و آزادی هرچه سریع تر دستگیرشدگان که حدود 150 نفر اعلام شده است، ادامه دهیم.

تاسف و تألم خود را به خانواده "فریناز خسروانی" و "اکام تلاج" جوان 25 ساله ای که در درگیرهای اخیر توسط رژیم وحشی مورد اثابت گلوله قرار گرفت و به علت شدت جراحات، متأسفانه در بیمارستان جان باخت، ابراز همدردی می کنیم.

زنده باد مقاومت و مبارزات مردم کردستان
مرگ بر حکومت جنایتکار رژیم اسلامی ایران
زنده باد آزادی و برابری

سازمان رهایی زن

انجمن خلق های آلمانی - ایرانی "شتوتگارت"

16 می 2015 - اردیبهشت ماه 1394

از سایت رهایی زن، و آرشیو نشریه بآیدین کنید: <http://rahaizanorg.blogspot.com>



مناسبت اول مه، بررسی وضعیت خانواده کارگری در سالی که گذشت
گفتگوی مینو همتی با فرخنده آشنا فعال کارگری و فعال سیاسی



چند وقت پیش می کنم، کارگران معدن اعتراضات گسترده ای داشتند. تعداد پنج هزار نفر کارگران بافق در اردیبهشت اعتراض داشتند که بر علیه خصوصی سازی ها بود و متأسفانه با وعده های توخالی ای که دولت برای این مطالبات داد، در واقع یک حالت فروکش پیدا کرده، و یا در مورد اعتراضات کارگران چادر ملو در فروردین ماه بود که ما شاهد اعتراضات گسترده کارگران چادر ملو بودیم و آن (اعتراضات) را هم طبق معمول رژیم با سرکوب پاسخ داد و حکم شلاق و زندان را برای کارگران صادر کرد. چرا! چرا این ها می توانند اینطور گستاخانه نسبت به کارگرهایی که معترض هستند و حقوق اولیه ی خودشان را می خواهند با شلاق، سرکوب و زندان جواب بدهند؟ این مسئله ای است که هر فعال کارگری، هر کسی که درگیر مبارزات مزد بگیران است باید بتواند به آن پاسخ دهد. و من هم به سهم خودم اگر داخل ایران بودم حتماً به این ضعف ها و به این مسائل فکر می کردم. یعنی وقتی اعتراض ایجاد میشود، این اعتراض باید قدرتمند پیش برود و مطالبه ای را که طرح کرده بدست بیاورد. ولی وقتی مزد بگیران تشکل ندارند در واقع قدرت آن را ندارند و نمی توانند عملاً فشاری به دولت وارد کنند و بتوانند مطالبه شان را بگیرند و آن را تثبیت کنند و دولت هم این را می داند که وقتی تشکلی نیست، یک نیروی قدرتمند در مقابلش قرار ندارد. و این سیاست رژیم است که وقتی این اعتراضات از آن اوج های اولیه اش پایین می آید و فروکش می کند شروع می کند به دستگیری ها و آن کارگری که فعالانه سعی کرده در آن اعتراضات شرکت کند و مسئولانه سعی کرده اعتراضش را پیش ببرد را

سال، همانطور که عزیزان مزد بگیر در جریان هستند، می دانید که شرایط بدتر می شود و این اوضاعی است که آنها را به اعتراض به آن شرایط شان وادار می کند. اعتراضات روزانه و گسترده ای را ما شاهد هستیم. در بخش تولید، بخش آموزش و بخش خدمات. و انقدر مطالبات بر حق مزد بگیران انباشته شده که ما شاهد کشمکش روزانه ی معترضین به این شرایط هستیم. این بیکار سازی ها، عدم پرداخت حقوق معوقه، در صد بالای بیکاری، عدم امنیت شغلی، کودکان کار- که دائماً در حال افزایش هستند- زنان به خاطر اینکه معیشت زندگی با کار کردن یک نفر نمی گذرد و مجبور هستند آنها نیز وارد بازار کار شوند، که در بازارهای غیر رسمی و با دستمزدهای بسیار ناچیز (به کار گرفته می شوند) با اینکه تعطیلاتشان و بیمه بازنشستگی شان مشخص نیست، از تأمین اجتماعی برخوردار نیستند. همه این ها آن مسائلی هستند که این روزها ما را شاهد این اعتراضات می کند. من نمی خواهم اشاره ای به کل سال بکنم و فقط اشاره ی کوتاهی به همین

گفتگوی مینو همتی با فرخنده آشنا فعال کارگری و فعال سیاسی مقیم سوئد در برنامه رهایی زن از کانال یک ماهواره.

در این گفتگو بر ضرورت اتحاد معلمان و کارگران نیز تأکید شد

در آستانه جشن اول ماه مه، روز جهانی کارگر هستیم و برای بررسی موقعیت طبقه کارگر ایران و بخصوص زنان و خانواده کارگری با فرخنده آشنا فعال کارگری و فعال سیاسی در سوئد به گفتگو می نشینیم.

فرخنده آشنای عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

مینو همتی: قبل از هر چیز فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به شما و بینندگان عزیز تبریک میگویم. شما که بنا به سابقه و علاقه شخصی مسائل کارگری ایران را دنبال میکنید، شرایط کارگران، خانوار کارگری و زنان کارگر را در سالی که گذشت چگونه ارزیابی میکنید؟

فرخنده آشنا: (با این سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی در واقع نه تنها نشانه هایی از بهبود وضعیت طبقه ی کارگر را شاهد نیستیم، بلکه سال به

داریم و من بارها و بارها این مسئله را تأکید کرده ام، به عنوان یک کارگری که در این اعتراضات تجربه ی کاری و مبارزاتی دارم و این را با پوست و گوشت و استخوانم درک می کنم و این را درک کرده ام که ما نیاز به متشکل شدن داریم. کارگر باید بتواند دست معلم را بگیرد و معلم باید بتواند دست پرستار را بگیرد. ما یک طبقه وسیع و طبقه کارگری هستیم که همه مزد می گیریم و این شرایطی که این ها (رژیم جمهوری اسلامی) برای ما ایجاد کرده اند عملاً برای ما دیگر قابل تحمل نیست و جامعه (به طور مداوم) شاهد این است که روزانه اعتراض انجام می شود.

مینو همتی: زنان کارگر، بجز مطالبه ی محوری مزد برابر در مقابل کار برابر، مطالبات فوری شان چیست؟

فرخنده آشنا: از آنجایی که من خودم در سوئد زندگی می کنم به هر حال یک مقدار سطح و سطوح مبارزه زنان متفاوت تر است. من اگر در سوئد باشم حتماً می گویم که دستمزد زن و مرد در یک کار مشترک حتماً باید برابر باشد و امروزه (این خواسته) یکی از مطالبات ضروری زنان در اروپا است، چرا که اگر اشتباه نکنم در یک کار مشترک با مردان، حدود ۱۷ درصد به زنان حقوق پایین تری می دهند. ولی از آنجایی که شرایط زنان در ایران خیلی اسفناک تر است من فکر می کنم که زنان احتیاج به این دارند که اولاً یک شغل داشته باشند، یعنی به عنوان یک نیروی کار مستقل از همسرشان، خانواده شان، پدر و برادرشان به حساب بیایند و بتوانند شغل داشته باشند و اگر به آنها شغلی نمی دهند حتماً بیمه بیکاری بدهند. یعنی به عنوان

یک نیروی مستقل در جامعه که دارای هویت خودش می باشد، بدون وابستگی به یک نان آور دیگر باید به حساب بیایند. و این خیلی ضروری است که زنان به لحاظ اقتصادی بتوانند اولاً روی پای خودشان بایستند، این مطالبه به نظر من خیلی ضروری است، از طرفی هم اعتراض به این قانونی کردن سرکوب زنان، (چون زنان در ایران) به طور خاصی قانوناً سرکوب می شوند. علیه سرکوب مضاعفی که بخاطر جنسیتشان در ایران دارد صورت می گیرد. به نظر من اینها مسائل ضروری هستند.

مینو همتی: وضعیت معلمان و اعتراضات بحق ایشان در سطوح مختلف مطرح شده است، در یکی از سایتها، اتحاد معلمان و کارگران نظرم را جلب کرد. بنظر شما ضرورت این اتحاد از کجا ناشی میشود؟

فرخنده آشنا: مینو جان فکر کنم اشاره کردید به آن سایت حقوق معلم و کارگر، البته که رژیم خیلی حساس است که معلمان، کارگران و پرستاران به یک اتحاد دست پیدا نکنند. من اینجا فقط می خواهم یک نکته ای را بگویم که خودم با دیدن یک تصویر بسیار خوشحال و واقعاً امیدوار شدم. من تصویری را دیدم از رسول بداعی معلم زندانی و شاهرخ زمانی کارگر زندانی که اینها، فکر کنم بر سر سفره هفت سین بود که به شکل خیلی سمبلیک و امیدوار کننده ای دست هایشان را به شکل اتحاد به هم داده بودند و این خیلی خوشحال کننده است. البته که معلمان هم مثل کارگران با یک انباشت مطالبات فکر می کنم بیش از ۲ دهه مواجه هستند. و همچنین شاهد اعتراضاتشان به شکل گسترده در قیل هم بوده ایم. یعنی اولین باری نیست که معلمان بصورت خود جوش

اعتراض می کنند. سالهای قیل هم یک سری اعتراضاتی را پیش برده اند. ولی همانطور که می دانید همانجا هم بهر حال احتیاج به تشکل های رادیکالی هست که بتواند پاسخگوی بدنه باشد و به خصوص بدنه خواهد اینقدر احساس مسئولیت بکند که مشارکت نزدیکی را داخل مبارزه اش انجام بدهد. و این اتحاد در سایر مزد بگیران خیلی هم مسأله مهمی است. خوشبختانه معلمان بخاطر شرایط فرهنگی شان از یک سری امکانات بیشتری برای پیشبرد مبارزه شان برخوردارند، مثلاً به رسانه هایی تقریباً اجتماعی دسترسی دارند، دست به قلم هستند. خوشبختانه می توانند در سایت ها و فیسبوک با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنند. این امکانات به آنها این امکان را می دهد که بتوانند خودشان را سازماندهی کنند. یک چیز بسیار خوب که می شود در اعتراضات معلمان دید این است که خیلی خوب مبارزه را (به صورت) سراسری سازماندهی می کنند. چیزی که متأسفانه در جنبش کارگری احتیاج به تبادل نظر روی این مسأله و گرفتن تجربه است که کارگران هم بتوانند اعتصاب و یا اعتراضشان را به صورت سراسری هماهنگ کنند و پیش ببرند. من خیلی امیدوار هستم به اعتراض معلمان. فکر می کنم آن هشیاری باید باشد و خواهد بود که بتوانند اعتصاب و یا اعتراضشان را خوب پیش ببرند و بتوانند مطالباتی را که دارند تثبیت کنند و این امیدواری را هم دارم که زیاد مسئله ی معلمان را خاص نکنند بلکه واقعاً همه مزد بگیران هستند که امروز زیر فشار مسائل زندگی قرار دارند و مجبور هستند به یک شکلی با همدیگر به یک اتحاد گسترده تر و وسیعتری دست پیدا بکنند تا بتوانند از مبارزات یکدیگر پشتیبانی کنند.

ما مسائل پایه ای داریم، ما یک شرایط بنیادی داریم که بتوانیم با همدیگر به توافق برسیم مثلاً دستمزدها مسئله همه مزد بگیران است، مسئله ایی که رژیم اجازه نمی دهد تشکلهای مستقل کارگری، معلمان و پرستاران ایجاد شوند. اینها چیزهای بنیادی هستند که این اعتراضها را به یکدیگر پیوند می دهند. امیدوارم که بشود بر روی این مسائل به یک هم پیوندی، به یک همبستگی دست پیدا کنیم. به هر حال چاره ای نیست، باید مبارزات سازمان پیدا کنند تا بتوانند به نتیجه برسند. من فکر می کنم خطرات زیادی در کمین مبارزات چه کارگران چه پرستاران و چه معلمان وجود دارد. (یکی از این خطرات) این است که اولاً این تشکلات دولتی پاسخگوی این اعتراضات به این شکل وسیع نخواهند بود و سعی خواهند کرد اگر جناحی با جناح دیگر تسویه حساب کند از این اعتراضات بهره برداری کنند. باید مراقب این مسائل در چنین شرایطی بود. خودشان (معترضین) هم بارها اعلام می کنند که سیاهی لشکر هیچ کدام از جناح ها نیستند. البته این درست است چراکه تجربه زندگی به ما گفته که هر کدام از این دولت هایی که آمده اند و رفته اند در واقع تأثیری بر بهبود اوضاع نداشته اند، در نتیجه فرقی نمی کند که کدامیک از این ها بر سر کار بیایند، اتفاقاً فرقی هم نمی کند. همه جناحهای رژیم اتحاد خوبی با همدیگر دارند بر علیه مزد بگیران در حالی که الان مزد بگیران (به صورت) پراکنده مبارزه می کنند. باید این اتحاد به نفع طبقه کارگر هم به وجود بیاید و بتوانند دست یکدیگر را در مبارزه بگیرند. بهر حال امیدوارم خود معلمین، خود

شادی امین



فضای فیسبوک، (آنها که ما می بینیم... و البته خیلی ها را نمی بینیم، چرا که در مدار دوستی های ما نیستند) آلوده به عرب ستیزی، نژادپرستی و شوینیسیم فارس است.

حتما و یقینا و متاسفانه در سایت های عربی زبان و غیر فارسی هم حملات مشابه به فارس ها و ایرانی ها می شود.

راسیسم و نژادپرستی معضلی جهانی ست و سالهاست که درگیری های نژادی و

مذهبی یکی از خانمان براندازترین کشتارها را به مردم جهان تحمیل کرده است. قدرت های حاکم نیز از دامن زد به این دشمنی کم بهره نبرده اند و نهان و آشکار به دامن زدن به این "دیگری ستیزی" می پردازند.

جریان تجاوز به دو نوجوان ایرانی در فرودگاه جده عربستان، یکی از بهانه هایی ست که در لوای آن عده ای تحت عنوان مخالفت با تجاوز به تبلیغ نژادپرستی و دشمنی با مردم عرب مشغول شده اند.

ایا می شود تحقیر و آزار مردم یک ملت را تبلیغ کرد و ادعای مبارزه با نفس تجاوز را داشت؟

آیا می شود از حق انسانی دو نوجوان حرف زد و حق زیست ملتی را زیر سوال برد؟

اما دامنه این حقارت فرهنگی تا آنجاست که در جدل با اینان، نقاب از چهره شان کشیده می شود و دشمنی شان با هر "دیگری" روشن می شود.

کسی که به عرب ها و کوردها و افریقایی ها و سیاهان و زنان و توانخواهان و همجنسگرایان و ترنس ها و ترک ها و چینی ها و ... توهین و تحقیر روا می دارد، دشمن انسانیت و حقوق بشر است، آگاهانه یا نا آگاهانه به شعله ورشدن خطر جنگ بین ملتها نیز دامن می زند و خشونت را باز تولید و ترویج و تشویق می کند.

ما که طعم به حاشیه رانده شدن و تحقیر به واسطه گرایش جنسی، بیان جنسیتی متفاوت و هویت جنسیتی مان را چشیده ایم، نباید اجازه دهیم که فضای دشمنی و خشونت بین انسانها به هر بهانه ای بازتولید شود.

در عین حال انتظار داریم روشنفکران عرب و کورد و ترک و بلوچ و ... نیز به سرنوشت دیگر اقلیت های تحت ستم توجه کنند. سکوت فعالین عرب و ترک و کورد در مقابل هموفوبیای دولتی و اجتماعی در جامعه خودشان، از این سری عدم همدردی هاست.

در سه روز گذشته در پیج های مختلف فیسبوکی و یا در پیام های شخصی که تعدادش به بیش از 40 پیام می رسد، مورد "لطف و عنایت" دشنام های جنسی عده ای عقب مانده و مرتجع قرار گرفته ام. تنها به این جرم که در مقابله با عرب ستیزی حرف زده ام.

در چنین مواقعی است که پاسخ سوالی که در آغاز طرح کردم را چنین باید داد :

کسی که به تحقیر و توهین یک گروه اجتماعی به واسطه زبان، رنگ پوست، نوع غذا، نژاد و مذهبش می پردازد، ما همجنسگرایان و ترنس ها را در صف اول قربانیانش قرار خواهد داد. با آنها قاطعانه مرزبندی کنیم. نژادپرستی و هموفوبیا دو روی یک سکه اند!

معرفی کتاب: جنسیت X

دوستان عزیز،

همانطور که می دانید بیش از سه سال از آغاز تحقیقمان در مورد تجربه زیست همجنسگرایان و ترنسجندرها در ایران می گذرد.

خوشحالیم که به اطلاع برسانیم که بالاخره امروز، و به مناسبت روز مقابله با همجنسگراستیزی و ترنس فوبیا نتیجه این تحقیق به صورت کتاب "جنسیت X" منتشر شد و در لینک زیر قابل دسترسی است:

<http://6rang.org/wp-content/uploads/2015/05/Jensiat-X.pdf>

مراسم رونمایی رسمی از کتاب، بعد از ظهر روز پنج شنبه 13 آگوست در لندن و با حضور دو تن از شخصیت های آکادمیک این حوزه برگزار خواهد شد. به همین دلیل، از همه شما می خواهیم که اگر در لندن هستید، عصر روز 13 آگوست تان را برای ما نگه دارید.

همانگونه که حتما مطلع شده اید، از روزهای 14 تا 16 آگوست نیز کنفرانس بنیاد پژوهش های زنان ایران در لندن برگزار می شود که فرصت خوبی را برای دیدار و پیشبرد بحث های نظری فراهم می کند. پیاپی بودن این برنامه و کنفرانس زنان، در چند روز متوالی و در لندن، برای ما مایه خوشحالی ست تا بتوانیم فرصت شرکت در برنامه "رونمایی کتاب جنسیت X" را برای دوستان شهرها و کشورهای دیگر نیز فراهم کنیم.

اطلاعات دقیق تر در مورد "رونمایی کتاب جنسیت X" را که در سالنی در مرکز لندن برگزار می شود را طی هفته های آینده برایتان ارسال خواهیم کرد.

تا آن زمان، از هر پیشنهاد و نقدی استقبال می کنیم و امیدواریم دوستانی که دستی به قلم دارند، در معرفی و نوشتن نقد بر این کتاب کوتاهی نکنند.

همکاران رسانه ها نیز در صورت تمایل می توانند ضمن معرفی کتاب برای دریافت اطلاعات بیشتر با من تماس بگیرند. توضیحاتی درباره کتاب:

<http://6rang.org/2561>

با تشکر فراوان

و به امید دیدار شما در لندن

شادی امین

از طرف شبکه لژیون ها و ترنسجندرهاى ایرانی (شش رنگ) و سازمان عدالت برای ایران

کشته شدن فریناز خسروانی و اعتراضات مردم مهاباد



روپاک مطیعی

روز دوشنبه چهاردهم اردیبهشت ماه، یک دختر جوان مهابادی به نام فریناز خسروانی که از کارکنان هتل تارا بوده است از طبقه چهارم هتل خود را به پائین پرت کرد و کشته شد. بعد از این واقعه عصر روز پنجشنبه هفدهم اردیبهشت تعداد زیادی از مردم مهاباد در اعتراض به مرگ مشکوک فریناز و عدم پاسخگویی مسئولین در خصوص مرگ فریناز خسروانی در مقابل هتل تارا تجمع کرده و به این هتل حمله کردند و آن را به آتش کشیدند. تجمع کنندگان اعلام کردند که فریناز خسروانی طبق هر آنچه اعلام شده و جهت جلوگیری از تجاوز کارمند وابسته به «اداره اطلاعات» از

تبانی کرده بود تا در ازای صدور تأییدیه برای ثبت هتل به عنوان هتلی پنج ستاره شرایط را به وجود بیاورد تا بازرس بتواند به کارمند هتل تجاوز کند، و همین باعث می شود «فریناز خسروانی»، کارمند هتل وقتی که در اطاق هتل گرفتار نقشه صاحب هتل و بازرس می شود، خود را از پنجره به پایین پرتاب کند و در دم جانش را از دست داد.

این تجمع با حمله نیروهای انتظامی و گارد ویژه به خشونت کشیده شد و دهها نفر از شرکت



کنندگان زخمی شدند و تعداد زیادی توسط نیروهای رژیم بازداشت شدند. در شهرهای کردنشین دیگر ایران نیز از جمله سنندج، سردشت، به منظور اعلام همبستگی با مردم



مهاباد و حمایت از آنان و اعتراض به کشته شدن فریناز، دختری که قربانی حاکمیت و استبداد رژیم ایران شد، دست به

طبقه چهارم این هتل خود را به پائین پرت کرده است. طبق گفته معترضان، صاحب هتل تارا، با یک اطلاعاتی به عنوان بازرس

تجمعاتی زدن که با کنترل شدید نیروهای امنیتی رژیم همراه بود. مقام های جمهوری اسلامی در واکنش به اعتراضات سخنان ضد و نقیضی به رسانه ها گفتند که باز

هم نشان دادند که هدفشان فقط دروغ گفتن و فریب دادن مردم است. همانند پرونده ریحانه



جباری که برای جلوگیری از فاش شدن گند کاریهای اداره اطلاعات ریحانه بی گناه را اعدام کردند. محمد دادر معاون سیاسی استانداد آذربایجان غربی اعلام کرد طبق تحقیقات پلیس مدیر هتل به مادر این دختر جوان در مورد رابطه ادعایی اطلاع داده و دختر از ترس مادرش می خواسته از طریق بالکن به طبقه پایین تر بپرد که مرفق نشده و کشته شده است. و آقای منتظر المهدی معاون اجتماعی پلیس ایران اعلام کرد که یک مظنون دستگیر شده که مامور اطلاعات نیست.

جمهوری اسلامی در وحشت از خشم و اعتراض مردم، شهرهای کردستان را بشدت نظامی کرده است و با حربه زور و سرکوب مردم بار دیگر می خواهد حاکمیت ظالمانه خود را بر مردم



تحمیل کند. اما مردم کل حکومت جمهوری اسلامی ایران را پشت کشته شدن فریناز می بینند. همه قوانین زن ستیز و مرد سالار جمهوری کثیف اسلامی را پشت کشته شدن فریناز می دانند.

حکومتی که زن را از هر حقی محروم کرده است. زنان که نخستین قربانیان این رژیم اسلامی بوده اند و بیشترین آسیب و سرکوب و تباهی را از این رژیم فاسد و زن ستیز متحمل شده اند و تحمل تحقیر و ستم و تبعیض و نابرابری کار هر روزشان است. فریناز خسروانی اولین و آخرین قربانی این رژیم فاسد اسلامی نیست.

این وضعیت تا زمانی که جمهوری اسلامی حکومت می کند و تا زمانی که احکام وحشیانه اسلام در ایران حاکم است،

ادامه خواهد داشت. مردم و جوانان خشمگینی که به خیابانها آمده اند و اعتراض و نا رضایتی خود را اعلام کردند، نشان دادند از این ظلم و نا برابری به ستوده آمده اند و خشم و نفرت خود را از این رژیم ظالم با درگیر شدن با گاردهای ویژه جمهوری اسلامی نشان دادند. خشم و نفرت زنان و مردم و جوانان مهاباد نشان می دهد که آنها دیگر نمی خواهند قربانی این رژیم باشند و می خواهند با احکام وحشیانه و مرد سالار و زن ستیز مبارزه می کنند.

← بررسی وضعیت خانواده کارگری در سالی که فرخنده آشنا

کارگران و خود پرستاران بیایند و مسائل شان را مطرح کنند و مبارزات شان را آسیب شناسی کنند. و ما آرزو می کنیم که بتوانند گام های بلندتری بردارند و حتماً موفقیت با جامعه ای است که بتواند در هر عرصه ای که اعتراض هست آن عرصه را پشتیبانی کند.

مینو همتی: در لابلای صفحات اینترنتی به صفحه ای برخوردیم بنام "ندای زنان ایران". مقالات و تنوع موضوعات وب سایت ندای زنان برایم بسیار جالب بود، بخصوص پرداختن به موضوع طلاق و حق بیمه بیکاری زنان نظرم را جلب کرد. شما در مورد این دو مطالبه برحق زنان نظرتان چیست؟

فرخنده آشنا: مینو جان بسیار خوشحال کننده است. باید گفت که هزاران گل بشکفتد و تلاشی باشد که بهار انسانی به ارمغان بیاید و بخصوص رهایی برای زنان. زنانی که در ظلم مضاعف برای جنسیتشان قرار دارند و هیچ مردی نمی تواند این را همانطور که یک زن حس میکند درون جامعه حس کند. خوشحال هستم که میشنوم زنان عزیزی در ایران دست به تلاش زده اند. برایشان باید آرزوی موفقیت کرد و امیدوارم که هر کمکی که از طرف ما برای حمایت بر می آید انجام بدهیم. چون ما این طرف (خارج از کشور) فقط می توانیم از تلاشهای این عزیزان حمایت و پشتیبانی بکنیم. به نظر من خیلی مطالبه ی خوب و اساسی ای است. دست دست اندرکاران درد نکند. هرچند که من از نزدیک نمی شناسم اطلاعات زیادی هم ندارم همینکه شما فرمودید بسیار خوشحال کننده است. ولی به نظر من بهترین چیز این است که بتوانند بخش وسیعی از زنان را وارد مطالبه بکنند. آگاهی از حقوق زنان مسئله ی مهمی است که باید شرایط آن فراهم بشود. و آن هم فقط با تلاش عزیزانی (میسر) است که به مسائل آگاه هستند و باید این کمک صورت بگیرد. میدانم که خیلی دشوار است در ایران بخاطر اینکه آنها هیچ رسانه ای ندارند، یعنی هیچ رسانه ای نیست، نه برای معلمان نه برای کارگران که بتوانند بیایند و رو به جامعه مطالباتشان را طرح کنند و از جامعه حمایت بگیرند، و اینها جمع های کوچکی هستند که بدون هیچگونه امکانات هستند. ولی از آنجایی که زنان در بخش وسیعی در این شرایطی که به آنها تحمیل شده واقعاً تلاش می کنند که خودشان را خلاص کنند، من میدانم که حتماً با استقبال وسیعی از طرف زنان روبرو خواهد شد. امیدوارم که حتماً این توانایی ها را خواهند داشت که بتوانند زنان را در مبارزه شان سازمان بدهند و بتوانند مبارزه مستقل و تشکل مستقلی را ایجاد کنند تا ضربه نبینند. می دانید که خیلی چیزها هستند که می خواهند مبارزات را به بیراهه ببرند و مثل همه جنبشهای دیگر که می توانند آسیب بزنند وارد میدان بشوند. من امیدوارم که این تشکل های زنان آنقدر بتواند قدرتمند بشود و استخوانبندی محکمی پیدا بکند که ما هیچ وقت نگران یک سری مسائل نباشیم. همین که زنان بتوانند بیمه بیکاری و یا کار داشته باشند مهم است و یکی از مسائل اساسی است. روی نکته بسیار بسیار مهم و اساسی ای دست گذاشته و تاکید کرده اند. وقتی من کار و درآمد ندارم طلاق هم بگیرم و بچه هایم را هم داشته باشم چگونه می توانم بچه هایم را نگه دارم. به هر حال زن به عنوان یک نیروی مستقل باید بتواند خودش را در جامعه معرفی کند و باید بتواند این مطالبات را طرح بکند. این مبارزات و تلاشها خیلی امیدوار کننده است و باید دست مریزاد گفت و آرزو کنیم در تلاش هایشان بتوانند موفق باشند.

مینو همتی: در پایان، بعنوان یک فعال کارگری، اگر قرار باشد هر ساله در اول ماه مه یکی از مطالبات کارگری متحقق شود، در شرایط کنونی کدامین مطالبه را در صدر لیست خویش قرار میدهید؟

فرخنده آشنا: من به این مسئله آگاه هستم که واقعاً هستند کسانی که به نان شب محتاجند، هستند کارگرانی که ماه ها حقوقشان را نداده اند، هستند کارگرانی که همین امروز اخراجشان کرده اند و هستند کارگرانی که نمی دانند فردا کار خواهند داشت یا نه. یعنی اینجا شخص واقعاً سر در گم می ماند که کدام را در اولویت قرار بدهد. ولی وقتی که ما می خواهیم به شکل عمیق تری به این مسائل نگاه کنیم، که بخواهیم یک دردی را درمان اساسی بکنیم، مجبوریم به این برگردیم که ما باید متشکل بشویم. من فکر می کنم تشکل جزو چیزهای بسیار ضروری (است). یعنی از نان شب واجب تر است. بخاطر این که مبارزاتمان به هدر نرود. برای اینکه ما بتوانیم از آن شرایط خیلی اسفباری که در آن زندگی میکنیم خلاصی پیدا کنیم باید متشکل شویم و وقتی که متشکل نیستیم آن وقت شاهد این مسائل هستیم که افرادی از روی فشار زندگی، چون یک سازمان، یک تشکل و یا یک جمعی نیست که از آنها حمایت کند، دست به خود سوزی و خود کشی می زنند. ما باید بتوانیم تشکل ایجاد کنیم. تشکل یکی از ضرورت های ما است و ما را قدرتمند می کند. تشکل ما را نسبت به راهمان آگاه تر می کند و به ما این را یاد می دهد که بتوانیم مبارزه هایمان را سازماندهی کنیم و پیگیر باشیم. وقتی ما تشکل داریم نمی توانند تک تک ما را سرکوب کنند برای اینکه می دانند یک تشکل قدرتمندی پشت ما هست و به مبارزه ادامه خواهد داد. من وقتی به مبارزه فکر می کنم، وقتی به این سالهایی که ما همچنان مبارزه کردیم ولی متأسفانه امروز در شرایطی قرار داریم که اینها به راحتی کارگرها را اخراج می کنند، یک حقوق بخور نمیری به عنوان دستمزد سالیانه اعلام می کنند، همه اینها نتیجه اش این است که ما نتوانستیم تشکل ایجاد کنیم، و ما نتوانستیم گسترده تر و متحد تر به میدان مبارزه بیاییم. این به نظر من خیلی ضروری است ضمن اینکه بهرحال تمام مسائل مطرح است، مسئله دستمزدهای پایین مطرح است. ولی پشت همه این ها باید یک تشکلی باشد که ما بتوانیم به آن خواسته هایمان برسیم. از نظر من البته مسئله خیلی مهم است ولی به هر حال کسانی که در زمین مبارزه هستند حتماً نسبت به آن چیزهایی که برایشان ضروری است آگاهی بیشتری دارند. ولی متأسفانه آنقدر اختناق و سرکوب هست که ما نمی توانیم یک ارتباط وسیع داشته باشیم و متأسفانه آنها هم نمی توانند به راحتی بیایند (و مسائل شان را) مطرح و تبادل نظر بکنند و اطلاع رسانی بکنند. من هم آنچه که از دور می بینم و طبق تجربیات خودم می گویم که تشکل مسئله بسیار مهمی است.

با تشکر از میثم باریک رو جهت پیاده کردن متن مصاحبه.

<http://rahaizantv.blogspot.com/2015/04/working-class-families-in-iran-may-day.html>

<https://youtu.be/YAwWHcxzOL8>

صیغه ضد ارزشی که اسلام به آن مشروعیت می‌بخشد

قسمت دوم



مژگان حاصلی

تشویق اسلام به داشتن زندگی پنهانی و دروغ

از سوی دیگر ترویج فرهنگ دروغ و داشتن زندگی پنهانی به دور از چشمان همسر و خانواده خود روشن‌ترین دلیل بر بی حرمتی به کانون خانواده و بی ارزش نمودن جایگاه زن است همانطور که در حدیثی دیگر آمده است:

عبدالله بن عطاء از محمد باقر امام پنجم شیعیان درباره آیه "و إذا أسر النبي..." (آیه ۳ سوره تحریم) پرسید؛ پس وی جواب داد: رسول خدا با حره ازدواج موقت کرد، بعضی از زنان رسول خدا از این ازدواج مطلع شدند و به پیامبر نسبت زنا دادند. پیامبر در جواب آنها گفت: اینکار بر من حلال است این یک نکاح موقت بود در نتیجه آنرا مخفی کردم (پس باید نکاح موقت را مخفی نگه داشت بر خلاف نکاح دائمی) ولی برخی از زنان محمد بر آن اطلاع پید کردند.

البته به علت وجود "تقیه" که خود نیازمند مبحث گسترده‌ای است، در مورد ازدواج‌های صاحبان دین روایات کمی در دست است! که گویا خودشان چنین ترجیح داده اند و اقدام به این کار نموده اند. البته ادامه این پنهان کاری‌ها در دنیای کنونی چه بسا منجر به بوجود آمدن آسیب‌های روانی متعدد همچون چند شخصیتی، دروغ پردازی، ریاکاری، پنهان کاری، فریب و ترس از بی‌آبرویی... را برای افراد جامعه به همراه دارد و علاوه بر موارد ذکر شده در بعد اجتماعی نیز، تحقیر شخصیت زن یکی از نخستین پیامدهای اجتماعی صیغه است.

در ساختار جمهوری اسلامی با سرکوب و کنترل روابط دو جنس از کودکی تا بزرگسالی سعی در ایجاد نوعی تشنگی و تقویت تصورات ذهنی دوزخ و واقعیت از ماهیت وجودی هریک از آنها کمک بسیاری بر افزایش عقده‌ها و بیماریهای جنسی نموده است.

تمامی این اقدامات به همراه فشارهای آشکار رفتارهای دینی به وجود آورنده جامعه ای با انواع پیچیدگی‌های رسمی و غیر رسمی روابط جنسی شده است که تنها راهکار هایشان گرفتن دوش آب سرد، نپوشیدن لباس تنگ و فکر نکردن به فعل حرام است!

از سوی دیگر کتمان واقعیت‌ها مشکلی را حل نمی‌کند در

حقیقت گرچه آمار واقعی و دقیقی از رابطه جنسی افراد متاهل سوای از چارچوب خانواده وجود ندارد، ولی شواهد حاکی از آن است که بخشی از مردان و زنان متاهل ایران به صورت متعددی رابطه جنسی دارند.

مردان فاحشه و اختیار داشتن زنان متعدد

اسلام با مطرح کردن بحث مجاز بودن مرد در داشتن همسران متعدد (۴ زن) در زمان واحد و تعداد زن‌های صیغه‌ای بی‌شمار، از عاملین اصلی گسترش فرهنگ غیر اخلاقی به شمار می‌آید و از مسببین اصلی فساد و نابرابری در جامعه است. جامعه‌ی که پدر را صاحب عنان و اختیار زنان و کودکان می‌داند و آنها را بخشی از اموال وی می‌شمارد.

مردانی که با آزادی کامل می‌توانند دست در جیب نموده و یک رابطه جنسی با محدوده زمانی دلخواه خریداری کنند، و زن جنس دومی ست که باید صیغه را لطف خدای رحمان بداند برای آن که استثمار جنسیت رنگ رسمی بیاید و وی را از کنیزی به همخوابگی برساند.

البته ساختن و ترویج قبح اجتماعی برای این رفتار، تنها سلاح زنانی شد که زندگیشان با انتخاب‌های بعدی شوهرانشان به تباهی کشیده شده بود، چرا که نقش مادر خانواده پس از این به یک جنس مستهلک شده تغییر هویت می‌یافت.

صیغه کلاه شرعی و تجارتي پرسود برای دکانداران دین اما صیغه کلاه شرعی ست برای تغییر نام یک رابطه ی دارای تابو در فرهنگ دینی چرا که دینی که زنا را رد نکند که دین نیست! اما از سوی دیگر در زیرکانه و آلوده‌ترین نوع استثمار باید راه فراری برای مردان نویسنده دین باقی گذاشته می‌شد.

اما تجارت سکس چنان سود آور است که چشم پوشی از آن غیر ممکن می‌نماید همانطور که در بسیاری از زیارتگاه‌های بزرگ بخصوص در شهرهایی نظیر مشهد و قم دفترهای مخصوص خدمات رسانی به مسافرن مختلف و زائران مرد فعالیت می‌کنند، موسساتی که مجوز ساخت فایل‌های اطلاعاتی برای دریافت پورسانت‌های مطلوب دارند و این همان نمود فرهنگ همسان سازی قوی اسلامی با تغییرات نسلها و قدرت تکنولوژی روز است!

مژگان حاصلی البته در کشوری که کوچکترین تلاشی برای بهبود خدمات اجتماعی، تحت پوشش قرار دادن زنان و فرزندان بی‌سرپرست و... نمی‌شود و حتی در تازه‌ترین افتخارات خود در تصویب قوانین بهره کشی جنسی از فرزندان بی‌سرپرست در قالب و عنوان ازدواج کوتاهی نمی‌کند، بیش از این هم انتظاری نمی‌رود.

پزندگانی که در قفس به دنیا می‌آیند و بزرگ می‌شوند؛ پرواز را نوعی بیماری می‌دانند..! "نیچه"

به مناسبت روز جهانی کارگر



میثم باریک رو

توانایی و درایت در تصمیم گیری ها و همچنین از لحاظ جسمی بیان می کند. مواردی که بصورت کلی ذکر شد بخشی از مشکلاتی هستند که جامعه زنان کارگر در نظام کنونی و ضد زن حاکم رو به رو هستند که ضرورت ایجاد تشکل زنان کارگر و مزد بگیر و حمایت همه جانبه از این قشر زحمت کش جامعه را می طلبد. آنچه که بیش از همه این مسائل قلب انسان را آزرده خاطر می کند این است که با آن همه مشکلات و معضلاتی که زنان کارگر متحمل می شوند، اجهاف و

یازدهم اردیبهشت ماه، اول ماه مه در بیشتر کشورهای جهان روز کارگر نام گرفته روزی که کارگران سراسر جهان با برگزاری تجمعات و صدور اطلاعیه هار فرصتی را بدست می آورند برای طرح معضلات و مشکلات شغلیشان و فشار بر دولتها برای رسیدگی به حل این مسائل. در حالیکه کارگران در تعدادی از کشورها توانسته اند وضعیت خود را بهبود بخشند،

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، کارگران با مشکلات بسیار زیادی دست و پنجه نرم می کنند و در روزی که متعلق به خودشان هست وقتی دم از حقوق پایمال شده شان میزنند، با سرکوب، شکنجه و زندان مواجه می شوند. متأسفانه هر ساله ما در شرایطی به استقبال این روز می رویم که طبقه زحمت کش و بی دفاع کارگری در وضعیتی به مراتب اسفبار تر از سال قبل قرار دارند، مسائلی عدم پرداخت حقوق معوقه برای ماهها و در نهایت اخراج شدن، نبود شرایط استاندارد ایمنی در محیط کار و مناسب نبودن وسایل مورد استفاده حین کار، بخاطر نداشتن یک تشکل قوی و دلسوز کارگری با رشد روزافزون حوادث کار و بسیاری مشکلات اقتصادی و معیشتی دیگر روبه روست. در زیر پوست طبقه ایی که در ایران رنگ مذکر به خود گرفته و جامعه واژه کارگر را به نام مرد تلقی می کند، زنان کارگری هستند که در حدود ۵٪ از کارگران را تشکیل می دهند که در واقع این آمار جدای از زنان سرپرست خانواده و زنانی هست که در کارگاههای کوچک و خانگی مشغول به کار هستند و به ثبت نرسیده اند. مسئله زنان کارگر جدای از مسئله عمومی طبقه کارگر و سرکوبی که بر این طبقه وارد می شود نیست. ولی اگر بخواهیم مشکلات زنان کارگر را در جایگاه اختصاصی مورد بررسی قرار بدهیم خواهیم دید که چه ظلم مضاعفی توسط ارتجاع حاکم بر آنها وارد می شود. یکی از مسائلی را که از این حیث باید مورد بررسی قرار داد، مسئله دستمزدهای پایین تر زنان در مقابل کار برابر با مردان هست که ریشه در نگرش ضد زن رژیم و نقض حقوق انسانی زنان دارد. زنان کارگر ابعاد حقوقی، مدنی و اجتماعی نیز با محرومیتهای بسیاری روبه رو هستند و در واقع در بسیاری از پستها و مقامهای دولتی نمی توانند حضور داشته باشند و رژیم علت آن را عدم



فرهنگی هست که در بطن جامعه وجود دارد، و بر کل زنان جامعه و بطور اخص زنان کارگر و مزد بگیر وارد می شود، که آنها را به جامعه خاموش بدل کرده که حتی در کوچکترین بخش اجتماع یعنی خانواده هم بحساب نمی آیند و در مشاغل سخت و طاقت فرسایی مثل کشاورزی، قالبیافی

مهمترین وظیفه آنها در چهار چوب خانه تائین می کند. در این شرایط کنونی باید با کار فرهنگی این تابوی ضد زن را شکست و زنان را به جایگاه اصلیشان در تمام طبقات جامعه بویژه زنان کارگر و مزد بگیر برگرداند..

به امید ایرانی آزاد و برابر

مسأله ی زنان کارگر، مسأله ی طبقه ی کارگر است

داستان زنی که قربانی سنت و عقب ماندگی عقاید کهنه پرستی شده
(ازدواج زن به زن یا ازدواج مبادله ای)



فریبا رشیدی

ازدواج مبادله ای یکی از رسمی است که در مناطقی از ایران و کشمیر رواج داشته و گاهی به نام «گاو به گاو» یا «زن به زن» (نیز نامیده شده است. بر طبق این رسم دختران یا مادران بیوه و ادار به ازدواج با پسر یا مرد خانواده ای می شوند که برادر یا پدر آنها خواهان ازدواج با دختر یا مادر آن خانواده باشد.

به نوع خود از فاجعه ترین ازدواج ها می است که عواقب تلخی را بدنبال دارد، دچار اختلالات روحی و روانی می شوند و بهداشت روانی آنها به خطر می افتد، شکنجه شدن ، خودکشی خودسوزی ...

در اینگونه از ازدواج رضایت زن شرط اول نبوده بلکه بارضایت پدر یا جد پدری صورت می‌گرفته . یکی از عوامل اجتماعی ازدواج های اجباری، رفتارهای پدرسالارانه می باشد، رفتار پدر سالارانه به حدی مسلط و پایدار بوده که در همه روابط اجتماعی و در کل امورات زندگی زن را سرکوب کرده و ساختار ذهنی خود را بر زنان و دختران تحمیل میکنند و این را حق مسلم خود میدانند و مخالفت بر آن را گستاخی دختران تلقی میکنند.

فریبا رشیدی 26,4, 2015

خراب میکنی چون به محض و قهر کردن تو ، زن من هم کوله بارش را جمع میکند که اگر خواهر تو برادر من را نمیخواهد من هم برادر او را نمیخواهم غافل از اینکه هر دو زندگی مجزا از هم دارند.

به اصرار اطرافیان بچه دار شدم که اگر مادر بشی فلان میشود ادم میشود ، زندگی به مراتب بدتر شد شوهرم وحشی تر شد و خانواده ام سردتر خانم آمنه ج با نگاه دردناکش تعریف می کرد که شوهرم ۳ نوع سیم کابل در خونه برای شکنجه و کتک زدن من گذاشته که اسم آنها را خدا،الله،و پیغمبر نامگذاری کرده اگر زیر شکنجه و کتک زدنش التماس کنم تو رو خدا نزن با سیم کابلی که اسمش رو خدا گذاشته می زد ، اگر میگفتم به خاطر پیغمبر نزن با سیم کابلی که اسمش رو پیغمبر گذاشته می زد.

- (تمام بدنش کبود شده بود وحشیانه ترین شکنجه ها بر روی بدن این خانم بود)-.

تمام زندگی مشترکمان را با سیم کابل گذراندم و تهدید میکرد که اگر به کسی بگی با اسلحه ای که دارم برادرانت را میکشم و رفت و آمد به خانه پدری ممنوع بود با وجود این همه بدبختی از سر نادانی و ناخواسته دوباره حامله شدم و وقتی شوهرم فهمید صیغه ی طلاق رو جاری کرد که اگر دختر بیاری نطفه اش از من نیست و حرامزاده است، تمام نه ماه حاملگی را با استرس گذراندم. فرزندم بدنیا اومد و پسر شد و وقتی فهمید پسره قبولش کرد ازش پرسیدم که چرا جلوی دهانش را پوشانیده ؟ گوشه روسری را کنار زد دیدم تمام دندانهای خانم کشیده شده است و خودش ادامه داد شوهرم با زور تمام دندانهایم را کشیده و اجازه نمی دهد دندان مصنوعی هم درست کنم

ادامه داد که زیر شکنجه چند دندانم شکسته شد وگفت که اگر شکایت نکنی بهترین دندان مصنوعی را برایت درست میکنم وبا حيله و وعده وعید تمام دندانهایم را کشید و غافل از اینکه حرفهایم دروغ بود.



چهار دختر و پسر باهم ازدواج کردند. من سر حرف پدر بزرگم حرف نزد یعنی اجازه ی این کار رو نداشتم از روزی که ازدواج کردم لحظه ای خوش ندیده ام قبل از اینکه مادر شوم چندین دفعه به قصد جدایی به خانه پدری پناه برده ام ولی برادرم که خواهر شوهرم زنش است با زور و کتک و تهدید حتی نمی گذاشت چند ساعت بشینم و درد دل کنم و من را دوباره روانه یه اون دیونه خونه و شکنجه گاه می کرد و می گفت به من ربطی نداره که زندگی بدی داری فقط بدان با اومدن زندگی من را

اطلاعیه ندای زنان به مناسبت روز جهانی کارگر رهایی زنان و اول ماه مه

11 اردیبهشت روز جهانی کارگر به عنوان یک دستاورد جامعه بشری در تاریخ مبارزات انسان برای داشتن یک زندگی شایسته تثبیت شده است و هر سال در این روز موضوع مطالبات و خواسته های کارگران و نیروی کار جامعه مطرح میشود، روزی که تولید کنندگان جامعه زندگیشان را دادخواهی میکنند، چرا که چرخهای سود اوری و بهره کشی مناسبات موجود بر دوش سازندگان جامعه سنگینی میکند. موضوع وضعیت زنان نه تنها به عنوان بخشی از نیروی کار تولیدی در صنعت و آموزش و بهداشت و خدمات تحت عنوان کارگر و معلم و پرستار بلکه به عنوان زنان خانه دار و همسران و دختران کارگران به اول ماه مه گره میخورد و طرح لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان در خواسته ها و مطالبات کارگران میتواند همه ی جامعه را برای داشتن یک زندگی بهتر یکصدا کند.

بررسی ریشه های مادی تبعیض علیه زنان به روشنی نشان میدهد که علت اصلی این همه زن ستیزی قوانین موجود تنها در راستای بهره کشی و سودآوری هر چه افسار گسیخته تر سرمایه داران است تا بتوانند از نیروی کار ارزان زنان بیشترین بهره را ببرند و به این ترتیب نیمی از جامعه را از نیروی اصلی کار حذف کرده و آنان را ضعیفه خطاب میکنند و از آنان به عنوان لشکر ذخیره کار، برای پایین نگهداشتن سطح زندگی کل جامعه استفاده می کنند.

روز جهانی کارگر با خواسته برابری زن و مرد



قوانین و مناسبات موجود تلاش میکند زنان را برای داشتن یک زندگی برابر، در مقابل مردان قرار دهد به طوریکه هر روز شاهد صدها نزاع و اختلاف در دادگاههای خانوادگی هستیم در حالیکه زنان و مردان باید در کنار هم برای داشتن یک زندگی انسانی به تمامی قوانین نابرابر دست رد بزنند همانطور که برای داشتن سطح حقوق و مزایای برابر و استاندارد باید در مقابل سرمایه داران در کنار هم باشند.

از همین رو کارگران امسال در قطعنامه های مختلف به خواست برابری زن و مرد به عنوان یک خواست عمومی جامعه اشاره کردند و نشان دادند که جامعه آگاهانه دیگر اجازه نمیدهد زنان در مبارزاتشان برای داشتن حقوق برابر تنها بمانند.

اول ماه مه روز جهانی کارگر روز دادخواهی انسانیت است، روزی که موضوع حق طلاق و داشتن برابری حقوقی به اندازه حقوق بیکاری و افزایش سطح دستمزدها و یا کاهش ساعات کار میتواند زندگی انسانها را دستخوش تحول جدی کند. دیگر نباید اجازه داد سرمایه داران تحت پوشش سنت های مردسالار بین زنان و مردان تفرقه ایجاد کند و به این ترتیب سود های کلان به جیب بزنند. اول ماه مه روزخواست "معیشت، منزلت" است و منزلت انسانها در برابری و حقوق انسانی است.

زنده باد اول ماه مه زنده باد برابری ندای زنان ایران

11 اردیبهشت 94

این روزها خبر مهاجرت دوستانی را می شنوم که در دو سال گذشته حتی فکر مهاجرت هم در ذهنشان نبود... و حال از بدی ها و خوبی ها... سختی ها و پیش آمدهای خوبشان می گویند... و هیچ کدامشان شرایط یکسانی نسبت به دیگری ندارد و خیلی از دوستان دیگرم از آنها طلب یاری دارند و راهکار می خواهند... واقعیت این است هیچ کس نمی تواند برای مهاجرت با توجه به متفاوت بودن انسانها و شرایط راهکار یکسانی ارائه کند... تعمیم دادن به مواردی که هیچ وقت مطلق نیست اشتباه بزرگی است ...

بهاره شرفی
مهاجرت

شنیده ایم که هر کجا باشم آسمان مال من است... اما واقعیت این است که هیچ چیز در زندگی شبیه به شعر نیست... از مرزهای تعلقت که می گذری... مثل مسافری هستی که اگر در هتل 5 ستاره در بهترین و مجلل ترین امکانات هم باشی باز احساس راحتی که در خانه داری به تو دست نمی دهد... خیلی ها را دیده ایم که پس از سالها سختی وقتی به یک آرامش نسبی می رسند و مثلا در فلان ساحل مشغول آفتاب گرفتن هستن ناخودآگاه دلتنگ خیابان ولیعصر می شوند و کافه نادری... فکر می کنیم ادا است... اما حقیقت است انسانها تا احساس تعلق در جایی نداشته باشند به آرامش کامل نمی رسند...

وقتی مهاجرت می کنی یعنی تغییر را پذیرفته ای، گوشه ای از ذهن را ننگ می داری به این توجیه که ار نشد برمیگردم... این در صورتی است که تصمیم به مهاجرت در شرایطی نباشد که مجبور باشی در کوتاه ترین زمان تصمیمی به این بزرگی را بگیری... چرا که آن زمان همه پل های پشت سرت را خراب کرده ای و دیگر حداقل تا چندین سال راهی برای برگشت نداری... شاید هم برای همیشه... نا امنی های اجتماعی، بی هویت کردن... و رشد خشونت اجتماعی... ترس برای آینده عزیزانت... تو را به هراس رفتن وا می دارد... سانسور شدن... گاهی هم ناپدید شدن در تصمیماتی که می دانی تو هم سهمی از آن داری... دلایلی می شود که وجود سرکشت را آواره می کند...

دیوانه می شوی... اخبار را می خوانی دیوانه می شوی... در خیابان بدون این که به کسی کاری داشته باشی به تو توهین می شود و پلیس لبخند می زند بی تفاوت می رود... سیاست... دین و اقلیتهای مذهبی هم که در این مملکت همه امتیازات را برای یک زندگی نرمال می گیرد... و آن وقت است که باز دیوانه می شوی....

دلت می گیرد وقتی زنی طلاهای دستش آلودگی صوتی ایجاد می کند و یک دندان به دهن ندارد... دلت می گیرد وقتی یک جایی مجبوری تن به سنتهای مخروبه بدهی اول ازدواج می کنی و بعد طرفت را می شناسی... سنتهای مخروبه ای که در همین قرنی که ما هستیم تیغ های تیز به دست می گیرند دخترکانه ما را برای همیشه از لذتهای زنانگی محروم می سازند... کودکانی که در سرما و گرما تن به عادت دردهایشان می دهند... دلت میگیرد وقتی به جای حقوق یکسان، فرزندان و همسر بودن بهشت را به زیر پایت می دهند... دلت می گیرد از درو دیوار این شهر همه حق ها را خفه می کنند و جایش تورا وادار به نشخوار حرف ها و روایتی بی اساسان می کنند... دیوانه می شوی... دلت می گیرد وقتی گریه محترم است همیشه خندیدن محکوم است... لباسهای ترکیب شاد که داشته باشد جلب توجه است... دلت می گیرد هنوز در مدارس کیف بچه ها را می گردند که آینه نداشته باشند... دلت می گیرد وقتی دستشویی پارک ها به اتاقک سگس تبدیل شده است... دیوانه می شوی وقتی نمی توانی یک دلیل برای ماندنت پیدا کنی... دیوانه می شوی دیگر وقتی می بینی درکت هرگز به جدول آمار تورم مورد نظر بانک مرکزی نمی رسد... وقتی محیط زیست در کشورت

معنایی ندارد... درختان عامل اصلی ترافیک هستند... آب بازی کردن در پارک آب و آتش جرم است و اسید پاشی ماست ماست می شود... در این مملکت مرده ها از زنده ها محترم ترند... فقط نظام متهم نیست... فرهنگ ها و اخلاقی که دیگر در جامعه وجود ندارد ما را به سمت مرزهایی سوق می دهد که حاضر هستیم همه چیز را رها کنیم از نو آغاز کنیم... از دلایلی مثل جنگ و جنگ

حقوق بشر را با دقت میخوانند تا ببینید در این سالهای اخیر چند تا از آن بندها را زیر پا گذاشته اند... گزارش کمیسیون حقوق بشر استرالیا نشان می دهد 800 کودکی که در دو سال گذشته در بازداشتگاه های مختلف استرالیا نگهداری شده اند 300 مورد از آنها یا به خود آسیب زده اند و یا تلاشی هایی برای آسیب رساندن به خود انجام داده اند... هر ساله صدها نفر از مردم برای درخواست پناهندگی با قایق به



زندگی که دلیل بزرگی برای رفتن است هم گذریم... این ناآرامی های اجتماعی و

فرهنگی نیز بخشی از دلایلی است که موجب فشارهای روانی و بروز خشونت در بیشتر اقشار جامعه می شود... حالا بیکاری و فقر هم که اضافه کنی دلایلی می شود که تو را برای رفتن صرف می کند... حاضری در بدترین شرایط موجود از راه کشورهایی که تمام هویت ملیت را نادیده می گیرند و تحقیرت می کنند خود را به قاره ای برسانی که تصور می کنی توی آن 7 میلیون کیلومتر مربع جایی برای تو نیز هست تا باقی عمرت را در امنیت بیشتری بگذرانی...

استرالیا سفر می کنند بسیاری از مردم با پرداخت وجهی به قاچاقچیان به یک سفر طولانی و پرخطر، اغلب با عبور از اندونزی تن میدهند.

اما به جای پناه یافتن در استرالیا، آنها که با قایق رسیدند به مراکز توقف در اقیانوس آرام فرستاده می شوند، بدون هیچ شناسی برای اسکان مجدد

در استرالیا. گروههای حقوقی و کمیسیون، کارشناسان پزشکی و سازمان ملل متحد، سیاست دولت را، به ویژه در حبس اجباری پناهجویان محکوم کرده اند. 90% از پناهجویانی که در استرالیا یافت می شوند پناهنده

واقعی هستند. اکثریت آنها آسیبهایی چون جنگ، خشونت و از دست دادن عزیزانشان را تجربه کرده اند بیشتر آنها از قربانیان نقض حقوق بشر و شکنجه هستند.

ما به روشنی دیدیم و شنیدیم که دیدبان حقوق بشر، در گزارش سال 2014 خود، گفت: استرالیا سابقه حقوق بشر خود را با پافشاری بر قطع حمایت از پناهندگان خدشه دار کرد.

دوست دارم از ایشان بپرسم... خانم بیشاپ آیا بهتر نبود شما با دولت اندونزی و یا کشورهای واسطه به میز مذاکره بنشینید تا دیگر پناهجویی از طریق قایق خود را به آبهای استرالیا نرساند نه این که کسانی که تقریباً همه چیزشان را از دست داده اند به کشورشان تبعید کنید در صورتی که می دانید ته این راه ویرانی است و بس...

همه دنیا با توجه به شناختی که از دولت ایران دارند، میدانند این کار چه عواقب و خطراتی میتواند برای این دسته از پناهجویان در ایران به همراه داشته باشد.

وقتی از کشور واسطه اقدام شود نه دیگر شاهد غرق شدن



پناهجویان به آن وضعیت اسفناک هستیم و نه دیگر انقدر شما و حزب 60% موافقتان مجبور به نقش بازی کردن این همه راه را تا حباب شیشه ای مذاکرات آمدن... انسان آرزوست...

زندان اوین در تاریخ مبارزات مردم ایران ثبت شده است

زندان اوین چه در دوران ستم شاهی و چه در زمانه سیاه حکومت اسلامی از مراکز مهم نگهداری و سرکوب و قتل و شکنجه از ادیخواهانی بوده است که بر حاکمیت‌های مستبد موجود شوریده اند. محل حصر اندیشمندان و فرهیختگانی که صدای مظلومانه ملتی را در حنجره خود نهاده و تا آخرین دم آنرا فریاد زده اند. برگزیدگانی که جان بکف رنج و مشقت زندان مخوف رژیم را به بیهوده زیستن ترجیح داده و از خود گذشته اند.

جمهوری اسلامی با طرح تبدیل آن به پارک در صدد است تا آثار جرائم و جنایات بی شمار خود در این زندان را نیز از میان بردارد. حال آنکه اسناد بی شماری نیز در اختیار جنبش مقاومت باقی است و قطعاً روزی خواهد آمد که پرونده این جنایات در برابر افکار عمومی و نسل جوان کشورمان که بی شمارند باز خواهد شد.

چنانچه مسئولین قضائی جمهوری اسلامی تصور می کنند با تبدیل زندان اوین به پارک و فضای سبز میتوانند آثار جنایات خود را از اذهان عمومی و قضاوت تاریخ پاک کنند میتوان آنان را کودن ترین سیاستمداران حکومت‌های استبدادی دانست. جنبش دادخواهانه مردم کشورمان که در انتظار روشنائی انداختن بر زوایای هنوز مستتر جنایات رژیم در این زندان است نه تنها از پای نخواهد نشست که در مسیر ثبت هر چه بیشتر آن در میان افکار عمومی مردم و جهانیان همچنان حرکت خواهد کرد.

جمهوری اسلامی که در تخریب سرمایه های ملی کشورمان، نابودی جنگل ها، خشکاندن زاینده رود و دریاچه ارومیه و ید تولائی دارد هم اکنون برای فضای سبز ایجاد کردن آنها در محوطه زندان اوین اشک تمساح میریزد و ریاکارانه چنین عباراتی را برای تحمیل مردم تحویل رسانه های حکومتی میدهد

شهردار تهران تصریح کرد: اولویت بعدی شهرداری تهران ایجاد فضای سبز و حفظ آن است. حتی یک تک درخت نیز در شهر تهران برای ما موضوعیت دارد.

وی درباره جلسه اخیری که با آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه داشته است اظهار داشت: با رئیس قوه قضاییه مذاکراتی داشته‌ایم و مقرر شد شهرداری تهران و این قوه برای مجموعه اوین و زندان اوین بوستانی را مهیا کند تا این مجموعه نیز همانند باغ موزه زندان قصر تبدیل شود.

زندان اوین را میتوانند به فضای سبز تبدیل کنند. دیوارهای زندان را میتوانند تخریب کنند. نقشه هوایی آنرا میتوانند دگرگون کنند. مکتوبات را از لابلای نوشتارها حذف کنند و همانطور که تا کنون سکوت اختیار کنند. آیا میتوانند از خاطرات و روایت‌های کمابیش مکتوب نیز جان بدر برند؟ بسیاری از قربانیان این زندان بقتل رسیدند. بسیاری بعلل بیماری و کهولت دیگر در میان ما نیستند. بسیاری از عاملان و مجریان آن جنایات مردند و یا همانند لاجوردی کشته شدند.

اما اوین در دل تمامی اندیشه ورزان و مدافعان آزادی بیان زنده است. اوین چه در هیبت زندان و چه فضای سبز در ایرانی بدون استبداد میعادگاه عاشقان خواهد شد. همانطور که آلمان نازی نتوانست آشویتس و ماتهاوزن و سایر مکانهای جنایات خویش را نابود کند و هر ساله و پس از گذشت هفتاد سال همچنان و هر ساله میعادگاه قربانیان آن دوره شوم است. وجود زندانی همانند اوین ننگی است بر پیشانی دو حاکمیت مستبد شاهی و اسلامی و قطعاً این ننگ شاخص را با رنگ نمیتوان پاک کرد. از جانب دیگر جمهوری اسلامی در قبال حذف این مرکز نگهداری زندانیان قطعاً اقدام به بازگشائی مرکزی دیگر خواهد کرد.

<http://gozareshgar.com/10e6d73e2781e7e54662871d3731d42855=cHash&=23>

مقاله آقای تقی روزبه به این نکته اشاره داشته است که در لینک زیر مشاهده می کنید

<http://gozareshgar.com/10a503ed379a6598701e4b5ce47d2e04ab=cHash&=23>

لینک زیر نیز بخشی از تصاویر مربوط به زندان اوین را که جمع آوری و منتشر شده است را نشان میدهد

www.gozareshgar.com/fileadmin/D8%AC%D8%A7%D8%B3%D8%AA.pdf

فعالان مدنی صحنه قتل فرخنده را در کابل بازسازی کردند



به مناسبت روز چهل فرخنده، ده ها تن از فعالان مدنی در محل کشته شدن او در زیارتگاه شاه دوشمشیره کابل، صحنه قتل او را بازسازی کردند.

دو روز مانده به نوروز امسال مردان خشمگین فرخنده را با این ادعا که قرآن را سوزانده است، با مشیت، لگد، چوب و سنگ کشتند و بعد جسدش را آتش زدند. این ادعا بعد از سوی کمیسیون ویژه تحقیق در مورد قتل فرخنده، رد شد. در مراسم امروز لینا علم، بازیگر سینما، نقش فرخنده را در زمان کشته شدنش بازی کرد و بسیاری ها با دیدن این صحنه بازسازی شده اشک ریختند.

+عکس: چهل روز پس از مرگ فرخنده؛ بازسازی صحنه قتل

معترضان تنها به خشونت که بر فرخنده رفت و عاملان آن اعتراض نکردند، بلکه از دولت هم انتقاد کردند و خواستار برکناری فرمانده پلیس کابل شدند، چرا که به گفته آنها پلیس در نجات فرخنده کوتاهی کرده بود.



فعالان مدنی نسبت به کندی روند رسیدگی به پرونده فرخنده هم اعتراض کردند و از نهادهای قضایی خواستند که هرچه زودتر عاملان قتل فرخنده را مجازات کند.



آنها در پایان برنامه، به رسم اعتراض به خشونت در جامعه و همبستگی برای عدالتخواهی، زنجیره انسانی تشکیل دادند. قتل فرخنده از همان آغاز در میان مردم، شبکه های اجتماعی، رسانه ها و محافل گوناگون در داخل و خارج افغانستان بازتاب گسترده ای داشت. به دنبال این حادثه، دولت محدودیت هایی بر شماری از زیارتگاه ها وضع کرد، دو مقام دولتی و شماری از نیروهای پلیس را برکنار و بیش از ۵۰ تن را به اتهام دست داشتن در قتل او بازداشت کرد. دولت همچنین خیابانی را که از میان زیارتگاه و مسجد شاه دوشمشیره می گذرد به نام فرخنده نامگذاری کرده است. دادستانی کل افغانستان مسئولیت بررسی پرونده قتل فرخنده را به عهده دارد و هنوز این پرونده را به دادگاه نفرستاده است.

http://www.bbc.co.uk/.../04/150427_k02-farkhunda-40th-ceremony

کودکاتی که فروخته می‌شوند؛ از ۴۰۰ هزار تومان تا هشت میلیون

تنها تهران نیست که کودکانش را می‌فروشد؛ ساری، آمل و دهها شهر دیگر که هنوز کسی از آنها خبر ندارد، شاهد فروش کودکان هستند. قیمت: از ۴۰۰ هزار تومانی که به مادر و پدر می‌رسد تا هفت هشت میلیونی که جیب دلال را پر می‌کند. **بهمن ماه سال ۱۳۹۲ بود** که روزنامه اعتماد گزارشی تکان‌دهنده از خرید و فروش کودکان در محله دروازه غار تهران منتشر کرد. "از صد هزار تومان تا پنج میلیون تومان"، قیمت کودکانی است که بنا بر این گزارش در دروازه غار خرید و فروش می‌شوند. روزنامه شهروند نیز همین امروز (چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت / ۱۳ مه) گزارشی منتشر کرده از خرید و فروش کودکان در آمل و ساری. کسانی که در این گزارش میدانی با آنها گفت‌وگو شده اکثراً معتاد هستند و به دلیل اعتیاد مجبور به فروش کودکانشان شده‌اند.



سودابه ۲۲ ساله یکی از این مادران است که یک سال پیش دو فرزند کوچکش را به قیمت ۴۰۰ و ۵۰۰ هزار تومان به طلبکارهای شوهرش فروخته است. الناز محمدی تهیه‌کننده این گزارش نوشته است: «سودابه حالا علاوه بر حسرت ندیدن بچه‌هایش، یک حسرت دیگر دارد؛ این‌که بلد نبوده آنها را به قیمت بالاتری بفروشد. «من که نمی‌دونستم. تا حالا بچه فروخته بودم. می‌گن بچه بالای یه میلیون تومان قیمتشه، ولی ما ارزون دادیمشون رفتن.»»

در جای دیگری از این گزارش از قول کارشناس ایدز مرکز بهداشت استان مازندران نقل شده که در مناطق حاشیه‌ای ساری و آمل دلال‌هایی هستند که زنان معتاد را ترغیب به بچهدار شدن می‌کنند. یکی از این دلال‌ها گفته حدود هفت تا هشت میلیون برای هر بچه به او می‌رسد. **"هیچ آماری در دست نیست"**

محمد لطفی عضو جمعیت دفاع از حقوق کودک در تهران به دوپچه‌وله می‌گوید با پدیده فروش کودکان آشناست هرچند هنوز نمی‌تواند این پدیده را اتفاقی رایج بخواند و از رایج دانستن آن پرهیز می‌کند. این فعال حقوق کودک درباره علت فروش کودکان که بیشتر فقر است یا اعتیاد می‌گوید: «اعتیاد و فقر

در هم تنیده هستند و نمی‌توان این دو را از هم جدا کرد. اعتیاد معمولاً به فقر منتهی می‌شود و این دو یک سیکل معیوب را تشکیل می‌دهند و یکدیگر را تشدید می‌کنند، نمی‌توان این دو را از هم جدا کرد. منتها الان متأسفانه خانواده‌هایی هم هستند که لزوماً دچار اعتیاد نیستند اما تنها به دلیل فقر بچه خودشان را می‌فروشند.»

یک فعال حقوق کودک دیگر که نخواست نامش فاش شود درباره فراوانی پدیده فروش کودکان به دوپچه‌وله می‌گوید که چون هیچ آماری در دست نیست، نمی‌توان گفت این پدیده چقدر رواج دارد. وی اما تأکید می‌کند که به عنوان کسی که کارش با کودکان و زنان آسیب‌دیده است، موارد زیادی از فروش کودکان را دیده است.

کم شدن وسایل پیشگیری از بارداری و بیشتر شدن فروش کودکان

پس از تصویب طرحی در مجلس که عمل جراحی پیشگیری از بارداری را ممنوع و خرید و فروش وسایل پیشگیری از بارداری را محدود می‌کند، دسترسی به این وسایل سخت‌تر از قبل شده است.

این فعال حقوق زنان و کودکان می‌گوید قبلاً آمپول‌هایی بود که کار قرص ضدبارداری را برای شش ماه انجام می‌داد یعنی زنان با تزریق یک آمپول تا شش ماه در برابر حاملگی ایمن بودند.

این آمپول‌ها بیشتر توسط زنان معتاد و آسیب‌دیده استفاده می‌شود چرا که این زنان به دلیل نداشتن شرایط عادی زندگی امکان مصرف هرروزه قرص ضدبارداری را ندارند.

۹ سال سرگردانی کودکان کار و خیابان در انتظار اصلاح یک آیین‌نامه

تنها ۳۴ درصد کودکان کار در ایران درس می‌خوانند

کودکان کار و زنگ خطر ایدز

به گفته این فعال مدنی، این آمپول‌ها الان به شدت کمیاب و گران شده‌اند. توزیع کاندوم هم که پیشتر توسط نهادهای مدنی در مناطق پرآسیب صورت می‌گرفت الان با محدودیت‌های بیشتری روبرو شده و به همین دلیل میزان بارداری‌های ناخواسته و به تبع آن فروش نوزادان بیشتر شده است.

مصرف شیشه در زنان میل جنسی را افزایش می‌دهد و هم‌زمان کنترل بر رفتار را تقریباً غیرممکن می‌کند. به همین دلیل حاملگی در میان زنان معتاد به شیشه بسیار بالاست. این زنان اکثراً فرزندانشان را حتی قبل از به دنیا آمدن می‌فروشند.

این فعال حقوق کودک می‌گوید: «متأسفانه پیشتر کنترل بیشتری در زمان تحویل نوزاد به خانواده در بیمارستان‌ها وجود داشت ولی الان هرکسی که هزینه بیمارستان را تقبل کند، نوزاد را به او تحویل می‌دهند. «همین امر فروش نوزادان از سوی مادران معتاد را راحت‌تر کرده است.

اکثر کودکان فروخته‌شده مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند

دلالان و واسطه‌هایی که کودکان را می‌خرند، با آنان چه می‌کنند؟ محمد لطفی، عضو جمعیت دفاع از حقوق کودک می‌گوید: «معمولاً بیشتر بچه‌هایی که فروخته می‌شوند برای استفاده از نیروی کار خریداری می‌شوند اما مورد فروش به خانواده‌هایی که بچهدار نمی‌شوند هم وجود دارد.»

فعال حقوق کودکی که نخواست نامش فاش شود اما می‌گوید متأسفانه به دلیل سخت‌تر شدن قوانین مربوط به صدور شناسنامه، فروش کودکان به خانواده‌هایی که بچهدار نمی‌شوند بسیار کم شده و بیشتر این کودکان توسط باندهای قاچاق به منظور جابه جایی مواد مخدر و یا گدایی خرید می‌شوند.

این فعال مدنی می‌گوید: «ما امیدواریم، از ته دل امیدواریم که این کودکان لااقل به خانواده‌هایی که خواهان فرزند هستند سپرده شوند اما متأسفانه در اکثر موارد این اتفاق نمی‌افتد و این بچه‌ها سر از خیابان درمی‌آورند و مورد آزار و سوءاستفاده قرار می‌گیرند.»

هیچ آماری از فراوانی فروش کودکان در دست نیست. کسی هم نمی‌تواند بگوید این پدیده مختص تهران است یا شهرهای دیگر هم آن را تجربه کرده‌اند. هیچ‌کس نمی‌داند دقیقاً بعد از فروخته شدن چه بر سر این کودکان می‌آید. اما یک چیز مسلم است: مطابق ماده اول پروتکل الحاقی میثاق بین‌المللی حقوق کودک "فروش کودک به معنی هر عمل و معامله‌ای که به موجب آن کودکی به وسیله فرد یا افرادی در مقابل سود (حق الزحمه) یا هر مورد دیگر به دیگران منتقل شود، ممنوع است".

خانه نشینی نزدیک به 6 میلیون فارغ التحصیل دانشگاه ایران

یک مقام وزارت کار می‌گوید که نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان ایران بالاتر از متوسط کشوری، و بیکاری در میان زنان تحصیل‌کرده ۲/۵ برابر مردان است. نبود مهارت و توجه به نیاز بازار کار و فرهنگ جامعه از مباحث مطرح در این میان است.



کوروش پرند، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه، در روزهای اخیر باز هم درباره وضعیت بازار کار و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ایران در نشست‌های گوناگون سخن گفته است.

به گزارش "اقتصاد نیوز" روز یکشنبه (۲۷ اردیبهشت / ۱۷ مه)، کوروش پرند، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه، گفته است که هم اکنون ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار دانشجوی و فارغ‌التحصیل در ایران وجود دارند که پنج میلیون و ۷۰۰ هزار نفر آنان "غیرفعال هستند و هیچ نقشی در تولید و ارزش افزوده اقتصادی ندارند".

به گفته پرند، همچنین حدود چهار و نیم میلیون دانشجوی نیز به زودی از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند که روشن نیست بتوانند وارد بازار کار شوند.

نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان بالاتر از متوسط کشوری، او گفته که این میزان در میان فارغ‌التحصیلان زن ۳۱/۳ درصد و در میان مردان ۱۲/۹ درصد است. یعنی بیکاری در میان زنان تحصیل‌کرده دو و نیم برابر مردان است.

سن اعتیاد به ۱۱ سال رسید

دبیر کل بهزیستی استان فارس گفت: در حال حاضر سن اعتیاد به ۱۱ سالگی، رشد منفی ازدواج به سن 32 سالگی و رویکرد مصرف مواد مخدر از سنتی به صنعتی تبدیل شده است.

به گزارش پانا دکتر مرتضی موسوی در همایش پیشگیری از اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی گفت: تحولات دو دهه اخیر در بحث اجتماعی، رشد سریع علم و تکنولوژی و دست‌یابی انسان‌ها به آمار، اطلاعات، رفاه جوامع مختلف، رشد سریع فضای مجازی از یک سو و از سوی دیگر عدم وجود برنامه ریزی مستمر در کشور باعث گردیده است تا کشور در معرض جدی آسیب‌های اجتماعی قرار بگیرد. مدیر کل بهزیستی استان فارس گفت: در استان فارس در دهه گذشته به لحاظ تغییرات آب و هوایی، طبقات اجتماعی از منظر فقر و بیکاری باعث شده است که سیر مهاجرت‌ها از سایر استان‌های دیگر پیش‌رونده‌تر باشد و این مسئله باعث بروز بیشتر آسیب‌های اجتماعی شده است.

موسوی گفت: این در حالی است که همچنین استان فارس در مسیر یکی از محورهای ترانزیت مواد مخدر قرار گرفته است که این عوامل سبب شده است تا سازمان بهزیستی بعنوان یک دستگاه متولی اجتماعی دولتی احساس مسئولیت و وظیفه نماید.

او با اشاره به اینکه در حال حاضر سن اعتیاد به ۱۱ سالگی و رویکرد مصرف مواد مخدر از سنتی به صنعتی تبدیل شده است که تمامی این موارد می‌تواند که مسئولان کشوری با یک دید واقع‌بینانه و بدون گذاشتن سرپوش بر روی آنها این مسائل را بطور جدی پیگیری و از بروز افزایش آن جلوگیری کنند.

گزارش گاردین از سکس توریزم در مشهد

خبرآنلاین - وبسایت روزنامه انگلیسی گاردین روز 17 اردیبهشت ماه گزارشی تکان‌دهنده در مورد حضور زوار عراقی در مشهد با عنوان «زیارت، غذا، سکس و پارک آبی در شهر مقدس مشهد».

بعضی خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری ترجمه بخشی از این گزارش را با عنوان «افزایش چند برابری توریست‌های عراقی مشهد پس از ظهور داعش» منتشر کردند که به آمار تعداد زائران عراقی طی سال‌های اخیر در مشهد اشاره دارد.



علیرضا رائنده تاکسی توضیح می‌دهد که میانگین قیمت برای یک شب، بین دو تا سه میلیون ریال معادل حدوداً 70 تا 105 دلار است. بعضی از مشتریان ثروتمند برای یک هفته فرد را اجیر می‌کنند. برای مثال، ممکن است آنها یکی از این زنان فاسد را با خود به شیراز و شاید شمال کشور یا اصفهان ببرند. برای یک هفته همراهی بین 20 تا 30 میلیون ریال می‌پردازند.

گرچه علیرضا حاضر نشد مصاحبه رو در رو با یکی از این زنان را فراهم کند و یا شماره تلفن آنها را در ازای پرداخت پول به من بدهد، اما موافقت کرد که از طریق تلفن با آنها صحبت کنم. پس از یک گفتگوی کوتاه، گوشی را به من داد، پرسیدم در مورد مشتری‌های عراقی چه حسی دارد و برخورد عراقی‌ها چگونه است.

تماس با سازمان رهائی زن



تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد"

هر هفته روزهای جمعه ۱۷:۳۰ به وقت تهران و بازپخش، شنبه ۱۷:۳۰

به وقت تهران می توانید بیننده تلویزیون رهائی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

برای همکاری با سازمان رهائی زن می توانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهائی زن هر دو ماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلاپر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: دیانا نامی

تلفن تماس: 00447862733511

ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

نروژ: شادی و روپاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سوند-استکهلم: پری زارع

تلفن تماس: 0046762308064

رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

آدرس: ABF, Halndenterminalen 3
ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوند: سالار کرداری

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ: آفاق وکیلی

تلفن تماس: 0046762518188

ایمیل: rahai_zan@yahoo.com

آلمان: شراره رضائی

تلفن تماس: 004915210189801

ایمیل: Shararehzaei.p@googlemail.com